



ولایت در فرهنگ اسلام

مفاهیم، انواع و پیامدهای سیاسی - اجتماعی آن

محمدحسین اسکندری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
تابستان ۱۳۹۸

اسکندری، محمدحسین، ۱۳۲۴ -
ولایت در فرهنگ اسلام: مفاهیم، انواع و پیامدهای سیاسی - اجتماعی آن / محمدحسین اسکندری. - قم: پژوهشگاه حوزه
و دانشگاه، ۱۳۹۸.
نه، ۲۲۹ص. _ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۹۲: علوم سیاسی؛ ۱۷)
ISBN: 978-600-298-262-9
بها: ۲۳۰۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه. ص. [۲۱۵] - ۲۱۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. ولایت. ۲. Sainthood*. ۳. ولایت فقیه. ۴. Wilayat al-faqih. ۵. اسلام و سیاست. ۶. Islam and politics.
۷. اسلام و دولت. ۸. Islam and state. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
BP۲۲۳/۸
۲۹۷/۴۵
شماره کتابشناسی ملی
۵۷۲۶۷۵۰



ولایت در فرهنگ اسلام: مفاهیم، انواع و پیامدهای سیاسی - اجتماعی آن

مؤلف: حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین اسکندری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره»، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۹۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع برای درس‌های ۱. «مبانی اندیشه سیاسی در اسلام»، ۲. «نظام سیاسی و دولت در اسلام و ۳. «اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران» برای دانشجویان مقطع کارشناسی و درس «افکار سیاسی در ایران و جهان اسلام» برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد فراهم آمده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدحسین اسکندری و نیز از ارزیاب محترم، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای اسماعیل صادق الوعد (دارابکلایی) سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

چکیده.....	۱
مقدمه.....	۳

بخش نخست: چشم‌اندازی از تحلیل کلی واژه ولایت

مقدمه بخش نخست.....	۹
ولایت در بعد سیاست.....	۱۰

فصل اول: کلیات

۱. مفهوم ولایت.....	۱۳
۲. حقیقت ولایت.....	۱۵
بعد طبیعی و روان‌شناختی ولایت.....	۱۵
بعد اعتباری و جامعه‌شناختی ولایت.....	۱۷
۳. اصلی‌ترین عناصر ولایت.....	۱۸
اشارات قرآنی به عناصر ولایت.....	۲۰
دو نکته در دو آیه اخیر.....	۲۲
۴. جدال درباره مفهوم ولایت.....	۲۳

فصل دوم: کاربردهای مختلف ولایت در قرآن

مقدمه.....	۳۱
۱. اقسام و مصادیق گوناگون ولایت.....	۳۱
۲. بررسی مقایسه‌ای ولایت‌ها.....	۳۲
۱-۲. ولایت‌های متعارض.....	۳۳
۲-۲. ولایت‌های متقابل.....	۳۳
۱-۲-۲. ولایت‌های هم‌سطح و غیرهم‌سطح.....	۳۴

۳۵ ۲-۳. ولایت‌های متوافق (همسو)
۳۵ نتیجه

بخش دوم: تحلیل ولایت‌های متعارض در پرتو قرآن کریم

۳۹ مقدمه
۴۱ قرآن و ولایت‌های متعارض

فصل اول: ولایت‌های متعارض در ابعاد روان‌شناختی

۴۳ مقدمه
۴۴ ۱. ولایت الله
۴۶ ۲. ولایت شیطان

فصل دوم: ولایت‌های متعارض در ابعاد جامعه‌شناختی

۵۱ مقدمه
۵۳ ۱. ولایت رسول خدا و جانشینان او
۵۵ ۲. ولایت طاغوت
۵۸ ۱-۲. تعارض سیاسی
۵۹ ۲-۲. نکات کلیدی در آیات طاغوت
۶۲ ۳. ولایت کفار
۶۴ نکاتی درباره ولایت کفار

فصل سوم: عوامل و زیرساخت‌های ولایت‌های متعارض

۶۹ ۱. نقش انسان در تحقق ولایت‌های متعارض
۷۳ تولی در قرآن
۷۵ ۲. زیرساخت‌ها و عوامل تحقق ولایت و حاکمیت
۷۷ علل و عوامل ولایت و حاکمیت دینی
۷۷ ۳. توضیح عوامل حاکمیت دینی
۷۸ ۳-۱. دسته نخست (میانی واقعی حاکمیت ذاتی خداوند)
۷۹ ۳-۲. دسته دوم (ملاک‌های لازم در ولایت‌های اعتباری)
۸۰ ۳-۳. دسته سوم (شرایط لازم در شهروندان)

بخش سوم: قرآن و ولایت‌های متقابل

۸۵ مقدمه
۸۸ تنوع در ولایت‌های متقابل
۸۸ اختلاف آثار در ولایت‌های متقابل

توضیح بیشتر ۸۹

فصل اول: ولایت‌های متقابل در رابطه خدا و خلق

چکیده.....	۹۱
مقدمه.....	۹۱
۱. مهم‌ترین امتیاز ولایت الهی بر ولایت‌های دیگر.....	۹۳
بند اول.....	۹۳
بند دوم.....	۹۴
۲. آثار و پیامدهای ولایت الهی.....	۹۵
ولایت رحمانیه خداوند به انسان.....	۹۶
نکته.....	۹۸
ولایت متقابل انسان به خدا.....	۹۸
ولایت رحیمیه خداوند به انسان.....	۱۰۰
زرقای ولایت الهی در انسان.....	۱۰۱
نکات کلیدی.....	۱۰۳
۳. آثار سیاسی ولایت الهی در انسان.....	۱۰۳
۴. چرا خداوند برای خود ولی می‌گیرد؟.....	۱۰۵
۵. اختلاف درجات اولیای الهی.....	۱۰۷
نتیجه.....	۱۰۸

فصل دوم: ولایت‌های متقابل در روابط اجتماعی

چکیده.....	۱۰۹
مقدمه.....	۱۱۰
۱. قرآن و ولایت‌های متقابل اجتماعی.....	۱۱۳
۱-۱. دلالت‌های آیه ۷۱ سوره توبه بر تقابل ولایت‌ها.....	۱۱۵
۲-۱. جامع‌ترین آیات ولایت‌های متقابل.....	۱۱۶
۳-۱. خلاصه‌ای از تقابل ولایت‌های دینی.....	۱۱۸
۴-۱. گویاترین آیات ولایت سیاسی.....	۱۲۰
۲. تنوع در ولایت‌های متقابل اجتماعی.....	۱۲۱
۳. اختلاف آثار در ولایت‌های متقابل اجتماعی.....	۱۲۳
۴. رابطه ولایت‌های اجتماعی با ولایت الهی.....	۱۲۴
نکته کلیدی.....	۱۲۶
۵. ولایت اولیای هم‌سطح.....	۱۲۸
۱-۵. شواهدی از آیات و روایات بر ولایت اولیای هم‌سطح.....	۱۲۸
۲-۵. تنوع در ولایت اولیای هم‌سطح.....	۱۳۵

۱۳۶	۳-۵. حقیقت ولایت در اولیای همسطح
۱۳۶	الف) لایه روان‌شناختی ولایت
۱۳۷	ب) لایه اعتباری ولایت
۱۴۰	۴-۵. مهم‌ترین پیامد ولایت در اولیای همسطح
۱۴۱	هشدار آیات درباره اختلاط با کفار
۱۴۲	۵-۵. ولایت الهی و جامعه اسلامی
۱۴۳	۶. ولایت اولیای غیرهمسطح
۱۴۳	۱-۶. ولایت اولیای غیرهمسطح در جامعه
۱۴۵	۲-۶. اشاره به چند نکته کلیدی در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه
۱۴۸	۳-۶. تحول تدریجی در ساختار جامعه سیاسی
۱۵۰	۴-۶. حقوق متقابل والی و رعیت
۱۵۲	الف) حقوق والی بر رعیت
۱۵۶	ب) حقوق رعیت بر والی
۱۵۹	نتیجه

بخش چهارم: تبیین ولایت‌های متوافق در پرتو قرآن کریم

۱۶۳	چکیده
۱۶۴	مقدمه

فصل اول: قرآن و ولایت‌های متوافق

۱۶۵	۱. جمع بین آیات به‌ظاهر متعارض
۱۶۶	۲. ضرورت ولایت‌های انسانی در جامعه
۱۶۸	۳. عمیق‌ترین بنیاد جامعه دینی

فصل دوم: ولایت‌های ذاتی و عرضی

۱۷۱	۱. فرق اصلی ولایت‌های ذاتی و عرضی
۱۷۳	۲. دیگر ویژگی‌های ولایت عرضی (اعتباری)
۱۷۴	۱-۲. محدودیت‌های نوع نخست (ولایت تشریحی)
۱۷۵	۲-۲. محدودیت‌های نوع دوم (ولایت اعتباری)

فصل سوم: قرآن و اعتبار ولایت‌های انسانی

۱۷۹	۱. کیفیت دلالت آیات بر ولایت‌های انسانی
۱۸۲	۲. ولایت معصوم در قرآن
۱۸۴	۳. ولایت در غیر معصوم
۱۸۶	۴. اصلی‌ترین مبنای حکومت دینی

فصل چهارم: ویژگی حاکمان در عصر غیبت

مقدمه.....	۱۸۷
۱. بعد فکری و نظریه‌پردازی در حاکمان دینی.....	۱۸۷
۲. بعد عملی و رفتاری در حاکمان دینی.....	۱۸۹
۳. بعد ارتباطات و موقعیت اجتماعی در حاکمان دینی.....	۱۹۲

فصل پنجم: تعامل حکومت با دیدگاه‌های مردمی و تحولات اجتماعی

۱. آزادی در افتا و اظهار نظر در دولت اسلامی.....	۱۹۵
۲. تحولات تاریخی و اجتماعی در دولت اسلامی.....	۱۹۵

فصل ششم: عناصر پویایی در سیستم قانونگذاری اسلام

مقدمه.....	۱۹۷
۱. نقش اثباتی عقل (از ادله اربعه) در ابلاغ قوانین اجتماعی.....	۱۹۷
۲. نقش مبنایی مصالح و مفاسد در انعقاد قوانین اجتماعی.....	۱۹۸
خلاصه و نتیجه.....	۱۹۹
۳. نقش اجتهاد در توسعه قوانین اجتماعی.....	۲۰۰
۴. نقش علی‌البدل احکام ثانوی.....	۲۰۳
۵. نقش احکام حکومتی در پر کردن خلأ قانونی.....	۲۰۴

فصل هفتم: جمع انحصار ولایت با وجود ولایت‌های دیگر در آیات

مقدمه.....	۲۰۷
۱. ولایت‌های متعارض و انحصار.....	۲۰۷
۲. ولایت‌های متقابل و انحصار.....	۲۰۹
۳. ولایت‌های متوافق و انحصار.....	۲۱۰
۴. ولایت‌های هم‌سطح و انحصار.....	۲۱۱

فهرست منابع.....	۲۱۵
------------------	-----

نمایه‌ها

نمایه آیات.....	۲۲۱
نمایه روایات.....	۲۲۵
نمایه اشخاص.....	۲۲۷
نمایه اصطلاحات.....	۲۲۸

چکیده

ولایت مهم‌ترین مفهومی است که در همه ابعاد زندگی ما (فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، عبادی و سیاسی، حقوقی و قضایی آثار ویژه خود را دارد.

ولایت، امری تضاییفی است و صرفاً در ارتباط جمعی اعضای جامعه تحقق می‌یابد و در عین حال امری تشکیکی است که می‌تواند در هر طرف به تناسب قدرت و موقعیتی که دارد، آثار ویژه و متفاوتی بر آن بار شود.

ولایت، در منابع دینی، اساسی‌ترین مبنا و نخستین بنیاد یک جامعه سیاسی است که ژرفایی عمیق دارد و تا عمق روح و جان شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و گستره‌ای وسیع دارد که همه شهروندان جامعه سیاسی را در بر می‌گیرد. ولایت، حقیقتی پیچیده و دارای وجوه مختلف حقیقی و اعتباری و ابعاد گوناگون روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است؛ آن‌چنان‌که به یک لحاظ می‌تواند جلوه عمیقی از محبت باشد و به لحاظ دیگر، تجلی عظیم قدرت و اقتدار اجتماعی و از جهت سوم، زیباترین چهره مصلحت‌سنجی و خیرخواهی برای جامعه و در چهارمین وجه، والاترین و برجسته‌ترین مظهر عبادت و خداپرستی^۱ یا چشمگیرترین صورت استکبار و خودخواهی و قدرت‌پرستی^۲. ولایت دو چهره تکوینی و تشریحی دارد که هر یک به اقسام مختلفی تقسیم می‌شوند. ولایت (در یکی از مصادیق تشریحی اش) یک اصطلاح سیاسی ویژه قرآنی بسیار عمیق و پیچیده است که در یک تقسیم مقایسه‌ای می‌توان آن را بر سه بخش تقسیم کرد:

۱. چون ولایت انبیا و ائمه و نواب خاص و عامشان در واقع جهاد برای تأسیس حاکمیت الهی و پاسداری برای دوام و ماندگاری آن است.
۲. ولایت طاغوت و کسانی که خدا را بنده نیستند و به جای قانون خدا خواسته خود را بر مردم تحمیل می‌کنند و مردم را به پرستش و اطاعت از خود و تقدیس قدرت خود وامی‌دارند.

۱. ولایت‌های متعارض از حقیقتی حکایت می‌کند که منشأ جدایی و تفکیک ملت‌ها در سطح بین‌الملل خواهد شد تا همه جوامع و دولت‌ها و همه واحدهای مجموعه سازمان ملل را فراگیرد.
 ۲. ولایت‌های متقابل به حقیقتی اشاره می‌کند که جمع‌کنندگی از افراد انسان را با قدرت برگرد یک محور جذب می‌کند تا زمینه ساختن یک جامعه سیاسی با تشکیل حکومت و پیروی ملت از رهبر و مصلحت‌سنجی رهبر برای ملت براساس ولایت متقابل برای رسیدن به اهداف مادی و معنوی مشخص را فراهم سازد.
 ۳. ولایت‌های متوافق (همسو) یعنی ولایت‌های الهی و انسانی یا ذاتی و اعتباری که در ابعاد سیاسی، اجرایی، تقنینی، حقوقی، قضایی و جزایی به منظور تأمین نیازهای گوناگون اجتماعی و تحقق اهداف مختلف زندگی انسانی هم‌دست و هماهنگ و هم‌داستان شوند تا مردم بتوانند در پرتو قانون و نظام مشخصی، در تأمین امنیت، ایجاد عدالت و تلاش و جدیت، به آینده مادی و معنوی بهتری برای خود امیدوار و دلگرم باشند.
- ولایت در چهره سیاسی، والاترین و برجسته‌ترین و پیچیده‌ترین مفهوم در اصطلاح قرآنی و یگانه مفهومی است که هیچ نظیر و بدیلی نمی‌توان برایش در نظر گرفت و عمده‌ترین ثمرهای تلخ و شیرین را در زندگی مادی و معنوی و دنیوی و اخروی انسان دارد. این کتاب به توضیح ابعاد و زوایای عمده‌ای از این اصطلاح اهتمام خواهد ورزید.

مقدمه

موضوع این کتاب یک موضوع بسیار پیچیده و فراگیر سیاسی و اجتماعی و یک اصطلاح خاص قرآنی یعنی «ولایت» است. امروز در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تحقیق در اصطلاحات قرآنی و فرهنگ اسلام به‌ویژه در ابعاد سیاسی می‌تواند برای استقلال جامعه اسلامی بسیار مفید باشد؛ چنان‌که ما در بررسی کلمات و اصطلاحات اجتماعی، به‌ویژه مفاهیم سیاسی و مقایسه آنها با معادلاتشان در دیگر فرهنگ‌ها، با ظرافت، پیچیدگی و عمق و کمال این اصطلاحات آشنا می‌شویم تا پژوهشگران ما از زاویه دینی و فرهنگ خودی و بومی به آنها بنگرند و تا آنجا که ممکن و رواست، جامعه در این زمینه نیز روی پای خود بایستد و با آنکه قدرت‌ها و ابرقدرت‌های طاغوتی مشتاق‌اند که همه ملت‌ها را در همه شئون سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، وابسته و دنباله‌رو و من‌ذک در خود کنند، با نگرش دینی، فرهنگ خودی و نگاه بومی به آنها، استقلال و عظمت، هویت و شخصیت و مادیت و معنویت خود را حفظ و سوابق درخشان خویش را زنده کند.

ولایت مفهومی قرآنی است که گرچه در مباحث فقهی، کلامی و فلسفی در طول تاریخ مطرح بوده است، به‌جد می‌توان گفت عمق و پیچیدگی و ظرافت آن در حدی است که با بررسی دقیق و وسعت دید، می‌توان زوایای ناشناخته، لایه‌های تودرتو، وسعت و فراگیری آن را مشاهده کرد و به آثار گسترده و بلندی دست یافت که در ابعاد مختلف زندگی جسمی و روحی و فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان بر جا می‌گذارد و می‌تواند سرسبزی یا پژمردگی ابعاد زندگی او را در پی داشته باشد.

بدیهی است ولایت، مفاهیم، انواع و آثار آن، چنان وسیع و پردامنه است که بررسی کامل آن در یک نوشته دشوار و غیرعملی است. طبعاً آنچه در این نوشته مورد دقت و بررسی قرار می‌گیرد، صرفاً بخش‌هایی از ولایت است که در یک تقسیم مقایسه‌ای بین انواع مختلف آن

خودنمایی می‌کند و در تأمین نیازهای مختلف انسان‌ها در زندگی اجتماعی و روابط کلی و بین‌المللی آنها نقش مؤثری دارد. «ولایت» در لغت مفاهیم متعددی دارد که بی‌ارتباط با هم نیستند و اهل فن در ریشه‌یابی آنها به نکات ظریفی اشاره کرده‌اند که در جای خود به آنها می‌پردازیم. در اصطلاح خاص قرآنی و فرهنگ دینی، ولایت دارای مفهومی غنی و بسیار پیچیده و ذووجه است، تا آنجا که در بعضی از فرهنگ‌ها نخست ولایت را به دو بخش تکوینی و تشریحی و سپس هریک را به فروع و شاخه‌های گوناگون دیگر تقسیم کرده‌اند و برای ولایت تشریحی یازده قسم برشمرده‌اند.^۱

ولایت در یک اصطلاح خاص قرآنی، رنگ سیاسی و اجتماعی بسیار چشمگیری دارد، تا آنجا که می‌توان گفت مهم‌ترین موضوع سیاسی است که همه ابعاد و شئون زندگی اجتماعی انسان را فرامی‌گیرد و از یک نقطه برتر، بر همه شغل‌ها و صنایع و گروه‌ها و اصناف اشراف دارد و همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ولایت در این اصطلاح، محور وحدت اجتماعی است و با قوی‌ترین جاذبه‌ای که دارد، هم اعضا و افراد و هم گروه‌ها و اصناف را بر محوری واحد جمع می‌کند تا با هماهنگی‌ها، همپوشانی‌ها، تعاون‌ها، همکاری‌ها و هم‌زمی‌های خود، جامعه متحد و یگانه‌ای تشکیل دهند. ولایت در این اصطلاح با استناد و اضافه به یک موجود دیگر (اعم از الهی و شیطانی و انسانی و اعم از مؤمن و کافر و فاسق و طاغی و جبار) مصادیق گوناگون و متعددی پیدا می‌کند که محورهای جوامع مختلف می‌شوند و هریک با جذب افراد متناسب و شیفته خود، منشأ اتحاد و اتفاق آنان خواهند شد تا با گروه‌های انسانی اهداف و مبانی و قوانین متفاوت، در مجموع جوامع مختلفی بر محور ولایت‌های گوناگون تشکیل دهند که یکدیگر را دفع می‌کنند؛ از این‌رو، می‌توان گفت ولایت از یک سو منشأ اتحاد و پیوستگی و هماهنگی افراد می‌شود تا جامعه‌ای تشکیل دهند و از سوی دیگر منشأ تعارض و ناهماهنگی ایشان خواهد شد تا جوامع گوناگون جهانی را تحقق بخشد؛ یعنی افراد هم‌سورا به هم پیوند می‌دهد و متحد می‌کند تا جوامع ملی را تشکیل دهند و به جوامع گوناگون دوئیت و تباین می‌بخشد تا با هویت‌ها، مبانی، اهداف مختلف و خواسته‌های گوناگون خود، ملت‌ها و جوامع مختلفی را در سطح بین‌الملل مطرح کنند و در سایه مقررات بین‌المللی جنگ و صلح به روابط خود با یکدیگر نظم و تعین بخشند.

۱. ر.ک: مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۵۷۲-۵۷۵.

بنابراین در سطح بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی، سعی بر این است که حتی ولایت‌های متعارض، تا حد امکان و با توجه به برخی از مشترکات و مصالح عمومی و جهانی، پیمان‌ها و تعهدات بین‌المللی را بپذیرند و زیر سایه آنها روابط اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی خود را تنظیم و با یکدیگر روابط صلح‌آمیز برقرار کنند و از جنگ و پیکار با هم بپرهیزند؛ اما این امر فقط در صورتی امکان‌پذیر است که همه به استقلال و آزادی یکدیگر در چارچوب آن مقررات احترام بگذارند و از خوی تجاوزگری و ددمنشی و تحقیر و سلطه‌جویی و استکبار دست بردارند و بعضی به اصطلاح ابرقدرت‌ها که امروز به برکت انقلاب اسلامی، جز ابرقدرتی پوشالی نیستند، از جنگ‌طلبی و فتنه‌انگیزی در دنیا به‌ویژه در منطقه دست بردارند و بگذارند ملت‌های دیگر به‌ویژه ملل مسلمان در کنار هم و در همسایگی هم بیارامند. این امر بیش از هر چیز بستگی به این دارد که وابستگان خود در منطقه را به حال خود بگذارند و آنها را با جنگ‌افروزی و اختلاف‌افکنی به جان مردم نیندازند و زندگی دیگران را ویران نکنند که تا وقتی چنین باشد، ملت‌های مستقل و آزاده نیز سرکوب طغیانگران و دفاع از خود و ملت‌های ضعیف به‌ویژه ملل مسلمان و برادران خود را وظیفه می‌دانند. در این صورت، تا وقتی از یک‌سو جباران و سلطه‌جویان و مستکبران به راه خود ادامه دهند و از سوی دیگر ملل آزادی‌خواه مستقل خدایپرست زنده و فعال باشند، تنها در صورتی جهان آرامش می‌یابد که یا جباران و طغیانگران سرکوب و به حق فطری خود قانع شوند و یا ریشه آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی کنده و حقوق بشر به دست جباران پایمال شود و مثل گذشته همه ملت‌ها برده جباران و قدرت‌پرستان شوند و خفقان و ذلت و استکبار و استضعاف جهان را فراگیرد و جامعه جهانی به صورت جامعه‌ای جنگلی و حیوانی درآید.

ولایت گرچه مطلقاً از مفاهیم ذات‌الاضافه است و خصیصه اجتماعی و بین‌الائینی دارد، در درون جامعه ملی، علاوه بر این، جنبه تقابلی نیز دارد و ولایت یک طرف نسبت به طرف دوم، معمولاً بازتابی فطری دارد و ولایت طرف دوم را نسبت به طرف اول در پی خواهد داشت که به لحاظ این خصیصه، عنوان ولایت متقابل را بر آن اطلاق می‌توان کرد. در واقع یکی از مهم‌ترین عواملی که منشأ وحدت، نظم و امنیت و تحقق جامعه انسانی از هر نوعش می‌شود، جنبه بازتابی و خصلت تقابلی ولایت خواهد بود. ولایت‌های متقابل گاهی در رابطه خدا و خلق شکل می‌گیرد و رنگ اخلاقی برجسته‌تری دارد و گاهی در بین افراد و اعضای جامعه نمود می‌یابد و با شکل دادن به روابط آنها صورت اجتماعی پیدا می‌کند؛ چنان‌که گاهی در رابطه افراد هم سطح یعنی عموم اعضایی که قاعده و سطح گسترده جامعه را تشکیل می‌دهند، تحقق می‌یابد و

منشأ به هم پیوستگی همه افراد در جامعه می‌شود که می‌توان عنوان «ولایت‌های متقابل هم‌سطح» را بر آن اطلاق کرد. گاهی نیز در رابطه افراد غیرهم‌سطح مثل پیامبر، امام و والی از یک سو و رعیت و پیروان و شهروندان از سوی دیگر تحقق می‌یابد که به‌طور طبیعی در هر طرف، به تناسب امکانات و ضعف و قدرتی که در جامعه دارد، آثار و انعکاسی ویژه خواهد داشت و انتظارات و توقعات خاصی بر خواهد انگیزد و می‌توان عنوان ولایت متقابل غیرهم‌سطح را بر آن اطلاق کرد.

علاوه بر آنچه گذشت، ولایت می‌تواند به تناسب نقش‌ها و نیازهای گوناگون انسانی-اجتماعی، ولایت‌های دیگری به منظور تحقق اهداف خود ایجاد و اعتبار کند؛ بنابراین اگر ولایت ذاتی، برای تحقق اهداف خود، ولایت‌های عرضی و ثانویه‌ای ایجاد می‌کند، ولایت‌های اعتباری، عارضی و ثانویه نیز در تحقق اهداف ولایت ذاتی و اولیه مؤثرند. اگر ولایت ذاتی در ایجاد ولایت‌های ثانویه اعتباری مؤثر است، ولایت‌های ثانویه اعتباری نیز در تحقق اهداف ولایت ذاتی مؤثرند و این نیز حاکی از نوعی تعامل ولایتی در تحقق اهداف کلی اجتماعی خواهد بود و می‌توان عنوان ولایت‌های متوافق را بر این نوع ولایت‌ها اطلاق کرد.

اکنون باید بگوییم موضوع و محور اصلی بحث در این کتاب ولایت است که به منظور توضیح مفاهیم، تبیین انواع و برشمردن آثار گوناگون اجتماعی آن مورد توجه قرار خواهد گرفت تا در چهار بخش، محورهای نام برده را مورد بررسی و توضیح قرار دهد:

بخش نخست به بررسی کلیات و چشم‌انداز مفاهیم و اصطلاحات واژه ولایت می‌پردازد که در دو فصل و چند گفتار به پایان می‌رسد.

بخش دوم ولایت‌های متعارض در پرتو قرآن کریم را ضمن دو فصل بررسی می‌کند: فصل اول ولایت‌های متعارض در ابعاد روان‌شناختی و فصل دوم ولایت‌های متعارض در ابعاد جامعه‌شناختی.

بخش سوم ولایت‌های متقابل را بررسی می‌کند تا در یک فصل ولایت متقابل در رابطه خدا و خلق را در بعد اخلاقی آن توضیح دهد و در فصل دیگر به رابطه متقابل اجتماعی و تبیین ابعاد و زوایای حقوقی آن اهتمام ورزد.

در نهایت بخش چهارم، به تحلیل ولایت‌های متوافق در پرتو قرآن کریم اهتمام می‌ورزد؛ ولایت‌هایی که بعضی از آنها بعض دیگر را ایجاد و اعتبار می‌کنند تا در تحقق اهدافشان مؤثر باشند؛ اهدافی که منشأ اصلی اعتبار و ایجاد آنها به دست اولیای قبلی بوده است.

بخش نخست

چشم‌اندازی از تحلیل کلی واژه ولایت

مقدمه بخش نخست

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: بنی الاسلام علی خمس: علی الصلاة والزکوة والصوم والحج والولاية ولم یناد بشئ کما نودی بالولاية.^۱

این روایت علاوه بر آنکه ولایت را یکی از پنج مبنا و یکی از اساسی‌ترین پایه‌های دین برشمرده است که فقدان آنها منشأ فروریختن بنای عظیم دین خواهد بود، آن را در مقایسه با چهار پایه دیگر، مهم‌تر معرفی کرده است. طبعاً این موضع‌گیری حضرت، ادله ویژه‌ای دارد که نیازمند توضیح است و می‌تواند به‌عنوان یک پرسش اصلی مطرح باشد و در روایات به بعضی از این ادله اشاره شده است؛ مثل آنکه ولایت را شرط قبولی عبادات دیگر دانسته^۲ یا آن را حافظ و نگهبان احکام و فرایض دیگر برشمرده‌اند^۳ یا از ضرورت ولایت یا از آثار وسیع و گسترده و ثمرهای اجتماعی و مهم آن سخن گفته‌اند.^۴

اهمیت و عظمت ولایت در نظر معصوم تا حدی است که امانتی را که به گفته قرآن^۵ آسمان و زمین تحمل نکردند، بر ولایت و امامت تطبیق کرده‌اند و ادعای غاصبانه و غیرحق آن را از سوی مدعیان دروغین، کفر و بی‌ایمانی شمرده‌اند. علامه مجلسی می‌گوید: برداشت این اخبار از امانت، مطلق تکالیف است؛ ولی به ولایت چون از تکالیف عمده و شرط صحت تکالیف

۱. ر.ک: کلینی، الکافی (ط الاسلامیه)، ج ۲، باب دعائم الاسلام، ص ۱۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۰.
۲. الکافی (ط الاسلامیه)، ج ۱، ص ۱۸۰ تا ۱۸۵، باب معرفة الامام و الرد الیه، به‌ویژه ص ۱۸۱، حدیث ۴ (و من... لا یعرف الامام منا اهل البيت فانها یعرف و یبعد غیر الله) و در نیمه ص ۱۸۲، از حدیث ۶ (... و صل الله طاعة ولی امره بطاعة رسوله و طاعة رسوله بطاعته فمن ترک طاعة ولاة الامر لم یطع الله ولا رسوله...).
۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷-۲۸، حدیث ۳۵. ۴. نهج البلاغه، خطبه ۴۰.
۵. احزاب، ۷۲.

دیگر است، تصریح شده است.^۱ ولایت واژه‌ای بسیار پیچیده و ذووجه است که بعضی از بزرگان و استوانه‌های علمی با استنباط از روایات، از آن با عنوان کلمه جامعه‌ای یاد کرده‌اند که مشتمل بر معرفت، محبت، متابعت و ابعاد ضروری دیگر است^۲ و در سطوح مختلف فکری، روحی، سیاسی و غیر آن جایگاه بلندی دارد. چون به روایات مربوط می‌نگریم، درمی‌یابیم که عناصری چون علم لدنی، عصمت، اذن و رخصت، انتصاب و خلافت از سوی آنکه ولایت حق ذاتی اوست، از جهت فاعلی در امر ولایت دخالت دارد؛ چنان‌که از جهت قابلی نیز معرفت امام، محبت امام و اطاعت از او حقیقت ولایت و ابعاد فکری، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آن را نشان می‌دهد. بزرگان ما از جهت فردی نیز پذیرش ولایت را منشأ حیات نفس دانسته‌اند (چنان‌که غذا منشأ حیات بدن است) و ترک ولایت اهل بیت را زمینه‌ساز محروم شدن از معارف الهی و حکمت‌های ربانی معرفی کرده‌اند که سرگردانی و گمراهی و تشخیص ندادن حق از باطل را به‌عنوان کیفر الهی به دنبال آورد.^۳

ولایت الهی جریانی تاریخی و طولانی است که در همه شرایع حقه، خداپاوران و ایمان‌آوردگان را به سوی نور و روشنایی و عدالت و آزادی رهنمون شده و با ولایت‌های طاغوتی - که پیروان و دوستداران خود را به عمق اسارت‌ها و بردگی‌ها و ظلمت‌ها می‌کشاند - جنگیده است. ولایت اگرچه در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی و در امور عبادی، حقوقی، اقتصادی و قضایی آثار عمده‌ای دارد، ما در این کتاب بر چهره سیاسی آن متمرکز خواهیم شد تا هم از پراکندگی در این بحث رها شویم و هم به تفصیل ممل مبتلا نشویم.

ولایت در بعد سیاست

نکته ظریف در ولایت سیاسی دین این است که ولایت از این زاویه بر حق فرماندهی و فرمانبری اطلاق می‌شود؛ اما مسلماً هم در بعد فاعلی که به معنی فرماندهی و اقتدار و اختیار دخالت در امور اجتماعی است و هم در بعد قابلی که به معنی اطاعت و تبعیت از

۱. روایات از امام باقر و امام صادق و امام رضا علیهم‌السلام است (مجلسی، مرآة العقول، ج ۵، ص ۵-۶).

۲. همان، ص ۲.

۳. ر.ک: مازندرانی، شرح الکافی، ج ۶، ص ۱۴۵. ملاصالح درباره ولایت می‌گوید: «المقر بصدقه حی و ان کان میتاً و المنکر له میت و ان کان حیا اذ الحیاة هی حیاة النفس بالمعرفة و الموت هو موتها بالجهالة» (مجلسی، مرآة العقول، ج ۵، ص ۲ و ۱۲).

ولی امر و تسلیم در برابر اوست، در عشق و محبت هریک از دو طرف فاعلی و قابلی ولایت (یعنی فرماندهی و فرمانبری) نسبت به دیگری ریشه دارد و شواهد قرآنی و روایی و نظریات فقهی به روشنی این حقیقت را تأیید می‌کند.

این بدان معناست که هم انگیزه والی در تدبیر جامعه و دخالت در امور و شئون دیگران خیرخواهی و مصلحت‌جویی است، نه قدرت‌طلبی (چنان‌که در روایات مشاهده می‌شود، ائمه معصوم پیوسته خود را از اینکه طالب قدرت و رقابت سیاسی باشند، تبرئه کرده‌اند) و هم پیروان ایشان، دراصل دوستداران مؤمن و عاشق اهل بیت‌اند که به انگیزه محبت و پاک‌باختگی، تسلیم رهبران و زمامداران دین‌اند، نه به خاطر ترس از خشم و خشونت آنان. شاید اطلاق لفظ ولایت بر حکومت در فرهنگ دینی برای نشان دادن این حقیقت باشد که جوهره اصلی حکومت دینی را محبت تشکیل می‌دهد و تهدید و مجازات بی‌تردید جنبه استثنایی خواهد داشت که با آن متجاوزان و قانون‌شکنان را به تسلیم وامی‌دارند.

نکته ظریف دیگر در ولایت سیاسی این است که گرچه لایه طبیعی و اصلی ولایت را عواطف و محبت تشکیل می‌دهد، لیکن عواطف صرف، نه در بعد فاعلی ولایت مجوز دخالت در امور اجتماعی و زندگی دیگران می‌شود و نه در بعد قابلی توجیه‌کننده فرمانبری و اطاعت از هرکسی خواهد بود؛ زیرا هم فرهنگ دینی ما و هم فرهنگ سیاسی غرب معاصر که شعار آزادی سر می‌دهد، هر دو با حکومت طبیعی مخالف‌اند؛^۱ از این‌روست که در فرهنگ دینی ما می‌توان گفت لایه مهم‌تر ولایت را رخصت الهی به دخالت در امور اجتماعی و شئون زندگی دیگران یا پیروی از رهبران تشکیل می‌دهد که امری اعتباری و تشریحی است؛ یعنی نه والی بدون اذن الهی، حق دخالت در امور اجتماعی و حکومتی دارد، نه مردم بدون رخصت و اذن الهی حق دارند از هرکسی اطاعت و تبعیت کنند. اجمالاً اختیار تصرف در شئون اجتماعی در ولایت

۱. طرفداران مکتب حقوق طبیعی، رابطه ارباب و بردگی، زناشویی و حکومتی را کم‌وبیش طبیعی شمرده‌اند؛ به‌ویژه در مورد حکومت، جامعه انسانی را همانند زنبور عسل ساخته و پرداخته طبیعت دانسته‌اند؛ برخلاف قراردادگرایان که روابط نامبرده را حاصل قرارداد دانسته‌اند و قرارداد اجتماعی را سرچشمه تحقق جامعه مدنی و منشأ وجود جامعه سیاسی قلمداد کرده‌اند و سابقه اختلاف این دو گروه به هزاران سال قبل می‌رسد (در این زمینه، ر.ک: ۱. افلاطون، جمهوری، ص ۲؛ افلاطون، قوانین، ص ۳؛ ۲. ارسطو، سیاست، ص ۲؛ ۳. فاستر، خداوندان اندیشه سیاسی، ج ۱، ق ۱، ص ۲۷ و ۱۹۷؛ ۴. اسکندری، حقوق طبیعی، قراردادگرایی و حاکمیت، بخش حقوق طبیعی).

مبتنی بر اذن و رخصت الهی است که مالکیت حقیقی مطلق دارد و مالکیت او بر هستی افراد از مالکیت خود آنان قوی تر است. بر همین اساس است که پیامبر در روز غدیر از مردم می پرسد آیا من در تصرف در جان و مال شما اولویت ندارم^۱ که همگان به او پاسخ مثبت دادند؛ زیرا اولویت تصرف پیامبر را انعکاسی از اقتدار و اختیار ذاتی خداوند می شمردند و تصرف او در شئون اجتماعی و مسائل دیگران را با اذن الهی و به نیابت از خداوند توجیه پذیر می دانستند.^۲ براساس آنچه گذشت، ولایت بر دو لایه استوار است: نخست، لایه طبیعی و روان شناختی؛ دوم، لایه تشریحی و اعتباری. یعنی در این چهره دین نیز همانند ابعاد دیگر آن، هماهنگی با فطرت مشهود است.

همچنین ولایت سیاسی را در دو سطح می توان طرح کرد:

یکم، ولایت شهروندان معمولی و هم سطح نسبت به همدیگر که منشأ اتحاد و هم زیستی و خیرخواهی و مصلحت جویی آنان نسبت به هم خواهد بود؛ مثل ولایت متقابل مؤمنان^۳ و مهاجران و انصار^۴ نسبت به هم در آیات قرآن؛ دوم، ولایت متقابل رسول و امام و زعیم جامعه از یک سو و مردم و شهروندان جامعه از سوی دیگر.

از نظر فرهنگ سیاسی اسلام، در هر یک از دو سطح نامبرده، علاوه بر عواطف طرفینی که ریشه های روان شناختی و طبیعی ولایت را تشکیل می دهند، نیاز به رخصت الهی نیز وجود دارد که نام لایه اعتباری ولایت را بر آن اطلاق کردیم و بدون آن هیچ یک از این دو سطح ولایت، مشروعیت دینی نخواهد داشت.

خلاصه آنکه ولایت عام سیاسی دو لایه دارد و در دو سطح عمودی و افقی فراگیر اجتماعی نمود پیدا می کند.

۱. «الست اولی بکم من انفسکم» (حلی، کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین، ص ۲۴۱ و ۲۴۵).
 ۲. چنان که در منابع شیعه و اهل سنت با تعابیر مختلف از آن یاد کرده اند؛ چون: طوسی، الرسائل العشر، ص ۱۳۳؛ حمیری، قرب الاسناد، ص ۴۳۱؛ صدوق، اسرار التوحید، ص ۴۳۰؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۰۳؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۳۷؛ ابن ابی عاصم، کتاب السنه، ص ۵۹۳؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۹۵. در واقع پیامبر با عنوان سفیر و فرستاده الهی این سخن را می گوید و بر ولایت الهی تکیه و تأکید می کند. خداوندی که همه چیز را او می آفریند و اگر خواست، می تواند همه را نابود کند، بر تصرف در هر چیز اولویت دارد.
 ۳. توبه، ۷۱.
 ۴. انفال، ۷۲.

فصل اول

کلیات

۱. مفهوم ولایت

ولایت در لغت بر معانی مختلفی اطلاق شده است:

«ولایت» از ماده «ولی» اشتقاق یافته و گاهی به معنای نزدیکی، نزدیک بودن و نزدیک شدن، گاهی به معنای دوستی و گاهی دیگر به معنی نصرت و کمک کردن، یا زمامداری، تدبیر یا تسلط و استیلا به کار رفته است و اهل لغت در بیان معانی آن گفته‌اند:

«ولّاه» یعنی به او نزدیک شد یا «ولی الشئ و علیه» یعنی زمام آن را به دست گرفت و قیام به تدبیر آن کرد یا «ولی فلاناً» یعنی دوستش داشت یا «ولی فلاناً و علیه» یعنی او را کمک کرد یا «ولی البلد» یعنی بر آن مسلط گشت. نیز استیلا به معنی پیروز شدن خواهد بود و بعضی گفته‌اند ولایت متضمّن یا مشعر به تدبیر، قدرت و عمل است.

از همین کلمه، «موالاة» به معنی متابعت و «توالی» به معنی تابع نیز به کار رفته است. همچنین «الولی» که در قرآن بر خداوند اطلاق شده، به معنی ناصر است و بعضی گفته‌اند به این معناست که خداوند متکفل امور جهان و متولی امور همه مخلوقات است و به این کار اقدام می‌کند یا او مالک اشیاست و در آنها تصرف می‌کند.^۱

بنابراین کلمه ولایت، در مفاهیم نزدیکی، خویشاوندی، محبت و دوستی، کمک و نصرت، تدبیر و کفایت، تسلط و قدرت، پیروی و متابعت و امثال آنها به کار رفته است. بعضی از فرهنگ‌ها و تفاسیر قرآن تلاش کرده‌اند همه این معانی را به یک ریشه برسانند و کلمه ولایت را

۱. ر.ک: ابن فارس، معجم مقاییس اللغة؛ ابن منظور، لسان العرب؛ فیومی، مصباح المنیر؛ مصطفی و دیگران معجم الوسیط.

دارای یک مفهوم مادر قلمداد کنند؛ برای مثال معنی اصلی ولایت را کنار هم قرار گرفتن دو شیء یا دو شخص دانسته‌اند، بدون آنکه هیچ حایلی میان آن دو باشد و موارد کاربردی آن مثل قرابت (خویشاوندی، زمانی یا مکانی) منزلت، دوستی و نصرت را معانی استعاره‌ی کلمه ولایت دانسته‌اند.^۱ بعضی دیگر گفته‌اند ولایت دراصل نزدیک شدن به شیء یا شخصی است، به منظوری خاص، به صورتی که هیچ مانعی نتواند انسان را از رسیدن به منظورش بازدارد؛ مثلاً اگر برای کمک باشد، ولی، ناصری است که هیچ چیز او را از کمک به او باز ندارد؛ اگر برای دوستی باشد، محبوبی است که هیچ چیز انسان را از تسلیم شدن به خواست او باز ندارد؛ اگر از جهت خویشاوندی باشد، کسی است که بدون هیچ مانعی از او ارث ببرد و اگر برای تبعیت باشد، کسی است که حاکم بر زندگی او باشد و به میل خود او را تدبیر کند.^۲

از سوی دیگر بعضی، موارد کاربردی این لفظ را مفاهیم استعاره‌ی آن شمرده‌اند^۳ و بعضی دیگر افراد و مصادیق مختلف یگانه معنای اصلی آن.^۴ ما قضاوت در این بحث را به اهل فن وامی‌گذاریم و به نکاتی می‌پردازیم که ارتباطش با سیاست فزون‌تر است.

در پایان بحث مفهوم ولایت، توجه به دو نکته می‌تواند آن را کامل‌تر کند:

یکم، مفهوم ولایت پیچیدگی خاصی دارد؛ به‌ویژه در مصداق ولایت دینی مثل ولایت پیامبر و نواب خاص و عام او (علاوه بر تدبیر، تسلط، تلاش و محبت و نصرت و امثال آنها) رخصت الهی و خلافت از خداوند نیز در آن ملحوظ است؛ یعنی ولایت هم بر اختیار و اقتدار ذاتی خداوند و هم بر اختیار و اقتدار اعتباری و عارضی دیگران – که با اذن الهی برای دخالت در امور اجتماعی و شئون عمومی مربوط به زندگی مردمان پیدا می‌کنند – اطلاق می‌شود؛ دوم، می‌توان گفت مفاهیم مختلفی که برای واژه «ولایت» ذکر کرده‌اند، تشکیکی است و در بین آنها ناقص و کامل وجود دارد؛ یعنی مفاهیم کامل‌تری که برای آن مطرح شده، متضمن مفاهیم ناقص‌ترند؛ ولی درنهایت و در رأس همه آنها کامل‌ترین مفهوم آن، زعامت دینی و الهی است که در عین آنکه از اذن الهی به زعامت جامعه به دست والی پرده برمی‌دارد، متضمن تدبیر و تسلط و نصرت و محبت و دیگر مفاهیم آن نیز خواهد بود؛ یعنی در ولایت دینی به معنی اقتدار و قدرت مشروع هم تدبیر وجود دارد و هم تسلط، هم نصرت و هم محبت....

۱. راغب اصفهانی، مفردات راغب، ص ۵۳۳. ۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۶۸.

۳. راغب اصفهانی، مفردات راغب، ص ۵۳۳.

۴. ر.ک: مصطفوی، التحقیق فی الکلمات القرآن، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

۲. حقیقت ولایت

در توضیح ولایت، مناسب است که در کنار بحث لفظی و مناسبت‌های لغوی و بیان چرایی به کار رفتن این کلمه در مفهوم مورد نظر، به بررسی حقیقت ولایت نیز توجه کنیم.

حقیقت ولایت دارای ابعاد، وجوه و عناصر پیچیده‌ای است که درک عمیق آن با توجه به آنها ممکن و میسر است. در توضیح این سخن می‌توان گفت ولایت دو بعد عمده دارد:

۱. بعد طبیعی و روان‌شناختی؛ ۲. بعد اعتباری و جامعه‌شناختی.

بعد طبیعی و روان‌شناختی ولایت

ولایت در گام نخست یک ریشه طبیعی و حقیقی و روان‌شناختی دارد که عبارت است از نوعی احساس عشق و محبت و توجه ویژه یک طرف به طرف دیگر. اما از آنجاکه به گفته فلاسفه، وجود عینی هر حقیقت به آثار خارجی آن شناخته می‌شود، حقیقت ولایت نیز منشأ آثاری خواهد بود که به مناسبت موقعیت و شخصیت دو طرف ولایت، آثار ولایت در هر طرف نسبت به طرف دیگر متفاوت خواهد بود. در ادامه، نخست، آثار ولایت طرف قوی‌تر نسبت به طرف ضعیف‌تر را و سپس آثار ولایت طرف ضعیف نسبت به طرف قوی را برمی‌شماریم:

۱. یکی از آثار حقیقت روان‌شناختی ولایت، در طرف قوی‌تر نسبت به طرف ضعیف‌تر، کمک به اوست (اگر نیازمند کمک باشد) و از آنجاکه زندگی ما حاصل کمک الهی است، در قرآن، کلمات ولی و نصیر یا مولی و نصیر به صورت مترادف بر خداوند اطلاق شده است؛ مثل «ما لَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ»^۱ یا «وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاکُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ»^۲. از آنجاکه در این موارد، ولایت منشأ نصرت است و نصرت تجلی و ظهور ولایت، می‌توان گفت اتحاد مصداقی یا وحدت شایع صناعی دارند؛ یعنی ولایت عین نصرت و نصرت عین ولایت خواهد بود؛ با این تفاوت که ولایت غیر از نصرت، آثار دیگری نیز می‌تواند داشته باشد؛

۲. یکی دیگر از آثار ولایت در طرف برتر، هدایت و راهنمایی است؛ یعنی، ولی با حساسیتی که به سرنوشت اولیای خود دارد، به هدایت آنها اقدام می‌کند. از این زاویه، خداوند که انسان‌ها را به منظور خاصی آفریده و به سرنوشت آنها توجه کامل دارد، پیامبران و سفرای

۱. بقره، ۱۰۷؛ توبه، ۱۱۶؛ عنکبوت، ۲۲؛ شورا، ۳۱. چنان‌که در آیات ۱۲۰ بقره، ۷۴ توبه و ۸ شورا نیز «ولی» و «نصیر» به صورت مترادف به کار رفته‌اند. ۲. حج، ۷۸.

خود را می‌فرستد تا آنان را در ابعاد فکری و اخلاقی و عملی به راه راست و به سوی مقصد درست هدایت کنند. آیه ۹۷ اسراء (وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فُتُو الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يُضِلُّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ) دلیل بر ارتباط هدایت با ولایت است؛

۳. یکی دیگر از آثار ولایت، تدبیر امور زندگی، تنظیم روابط اجتماعی و اقدام به کارهای عمومی مردم است که اگر نباشد، در زندگی مردم اختلال ایجاد می‌شود و خداوند که ولی مردم است، به این کار اقدام می‌کند و وضع امامت و حکومت را برای اولیای خود روشن می‌سازد تا کیفیت زندگی اجتماعی مردم بر وفق مراد باشد، راه هرج و مرج و استبداد و سلطه‌طلبی بسته شود و مردم زیر سایه حکومت مرضی خداوند که ولی واقعی است، با آرامش و آسایش زندگی کنند؛

۴. یکی دیگر از آثار ولایت رفع اختلافات است که به صورت طبیعی در جامعه حاصل می‌شود و خداوند که ولی مردم است، به حل و فصل آنها اقدام می‌کند تا حق به حق‌دار برسد و نزاع و خصومت، عادلانه از میان برود. خداوند می‌فرماید: «ای داوود، تورا جانشین و خلیفه خود در آن سرزمین قرار دادیم. پس به حق در میانشان داوری کن و از هوا پیروی مکن که تورا گمراه کند و هرکس راه خدا را گم کند، چون روز حساب را فراموش کرده، گرفتار عذاب دردناک شود». ^۱ خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «... پس خداوند انبیا را که مژده‌رسان و بیم‌دهنده بودند و همراهشان کتاب به حق فرستاد تا میان مردم در آنچه اختلاف دارند، داوری کنند...» ^۲

آنچه گذشت و امثال آنها آثار ولایت طرف نیرومند است در زندگی طرف ضعیف و نیازمند که مصداق بارز آن ولایت خداوند بر بندگان خود است؛ اما ولایت در طرف ضعیف نسبت به طرف نیرومندی که از کمک و هدایت و تدبیر و راهنمایی او بی‌نیاز است نیز آثاری دیگر دارد:

۱. یکی از آثار ولایت ضعیف نسبت به طرف قوی (مثل ولایت مردم نسبت به خداوند) «که غنی بالذات است» و رسول و اولی الامر) که زمامدار، قدرتمند و در رأس جامعه است اطاعت و متابعت از فرامین اوست؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ» ^۳. نیز می‌فرماید: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ» ^۴. و مثل آنکه در یک آیه می‌گوید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا...» ^۵ و در آیه دیگر می‌گوید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» ^۶ همچنین

۱. ص، ۲۶.

۳. انفال، ۳۴.

۵. مانده، ۵۵.

۲. بقره، ۲۱۳.

۴. آل عمران، ۶۸.

۶. نساء، ۵۹.

امام علی (علیه السلام) در ادامه توضیح حقوق مترتب بر ولایت می‌فرماید: «... اما خداوند سبحان حق خود بر بندگان را در این قرار داد که از او اطاعت کنند»؛

۲. اهتمام ضعیف به اهداف و منویات اولیای نیرومند خویش؛

۳. کمک به سرکوب دشمنان دین و جهاد در راه خدا؛

از اینجاست که می‌توان گفت ولایت، حقیقتی اضافی، پیچیده، ذوجوه و غالباً اجتماعی است که متناسب با ضعف و قدرت اولیا و موقعیت‌های مختلف آنان می‌تواند در کمک کردن، راهنمایی کردن و تدبیر و تنظیم و اداره امور اجتماعی، تقنین، داوری و قضاوت و نیز در اطاعت و متابعت از دین، حمایت از پیامبر، فرمانبری از اولیای الهی، کمک به سرکوب دشمنان دین و مانند آن ظهور و نمود و در واقع با آنها اتحاد و وحدت و عینیت داشته باشد تا آنجا که به صورت طبیعی، بر هر یک از آنها می‌تواند به‌عنوان یک مصداق روشن، اطلاق شود. می‌توان گفت اطلاق لفظ ولایت بر چنین آثاری مثل نصرت، قرابت و تدبیر از همین جهت است و اینها همه جلوه‌ها، چهره‌ها، ابعاد و شاخه‌های آن شمرده می‌شوند؛ ولی در رأس همه، ولایت دینی و حاکمیت دین، در فرماندهی اولیای خدا و فرمانبری مردمان تجلی می‌یابد که حاصل عشق و محبت هر یک به طرف مقابل است؛ چنان‌که اولیا به خاطر محبت به مردم، تأمین مصلحت و تحقق اهدافشان به آنها فرمان می‌دهند و مردم به خاطر عشق به زعما از ایشان فرمان می‌برند. به نظر می‌رسد که جوهر اصلی حاکمیت در همین امر خلاصه می‌شود.

بعد اعتباری و جامعه‌شناختی ولایت

دومین و روشن‌ترین بعد ولایت بعد اعتباری و جامعه‌شناختی آن در جامعه‌ای انسانی خواهد بود؛ زیرا باید بگوییم که هر ولایتی که در درون جامعه انسانی تحقق می‌یابد و در تنظیم روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد، نمی‌تواند چیزی جز ولایتی اعتباری باشد؛ یعنی هر ولایتی در جامعه صددرصد، امری قراردادی و حقیقتی اعتباری است که از سوی مافوق اعتبار و به اصطلاح قرآن جعل شده است (جعل به معنی قرارداد است).

در اینجا نباید از دو نکته غافل شویم:

نخست آنکه ولایت‌های انسانی در درون جامعه که امری تشکیکی است و شدت و ضعف دارد، در هر سطحی، حتی در بالاترین مرتبه خود، نیازمند یک معتبر و ایجادکننده است؛ زیرا در

همه سطوح، حتی در بالاترین سطح، اعتباری و عارضی خواهد بود و طبعاً هر امر اعتباری نیاز به معتبر یا اعتبارکننده دارد و بنابر یک قاعده فلسفی، هر امر عارضی در نهایت با واسطه یا بی‌واسطه باید به یک امر ذاتی برگردد و متکی به آن باشد؛ در غیر این صورت هیچ‌وقت تحقق نخواهد یافت. ولایت عارضی و اعتباری نیز نهایتاً باید از سرچشمه یک ولایت ذاتی جریان یابد؛ اما در بینش دینی ما (برخلاف گفته ارسطو)، در درون جامعه انسانی هیچ ولایت ذاتی‌ای وجود ندارد و سرچشمه همه ولایت‌های اجتماعی، تنها ولایت ذاتی خداوند است که قرآن به صد زبان بر این حقیقت تأکید کرده است و آن از عمده‌ترین اصول در بینش توحیدی اسلام شمرده می‌شود.

بنابراین هر فرد به هر اندازه که دارای قدرت و نفوذ اجتماعی باشد و توانایی‌های فراوان داشته باشد، به هیچ‌وجه حق دخالت در امور اجتماعی و زندگی دیگران ندارد، مگر در صورتی که ولایت بر جامعه از سوی خداوند که موجد کون و مکان، آفریننده مطلق، مدبر انسان و دارای ولایت ذاتی بر همگان است، داشته باشد و اقتدار و ولایت برایش اعتبار شود و رخصت دخالت در امور اجتماعی و شئون زندگی جمعی را دریافت کرده باشد و امامت، زعامت، ولایت و تدبیر و دخالت او مورد تأیید خداوند باشد که ولایت حق ذاتی اوست. دوم آنکه اعتبار ولایت امری عقلانی است و به‌گزاره برای هرکسی اعتبار نخواهد شد. همان‌طور که در بعد طبیعی ولایت گذشت، مسلماً صاحب ولایت ذاتی، آن را برای کسانی اعتبار می‌کند که از جهت علمی و علمی و روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و دیگر موارد مربوط شرایط لازم را داشته باشند.

۳. اصلی‌ترین عناصر ولایت

بنابر آنچه گذشت، در ولایت، از دو عنصر جوهری یا دو لایه اساسی می‌توان نام برد که هر یک به لحاظ خاصی اهمیت ویژه‌ای دارد:

اهمیت عنصر نخست یعنی لایه روان‌شناختی ولایت در این است که می‌توان به‌عنوان عنصر مشترک و مقوم اصلی مصادیق گوناگون ولایت اعم از مشروع و نامشروع، در وسیع‌ترین سطح بر آن تأکید کرد؛ لایه‌ای طبیعی و تکوینی که در طول تاریخ و در کلیه جوامع، انسان‌ها را به انسان یا موجود دیگری مرتبط می‌سازد و اهداف و روش و رفتار فردی و اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

عنصر دوم، اقتدار، مشروعیت و اعتباربخشی و امضای آن از طرف شارع مقدس است که حق ولایت و حاکمیت و اقتدار ذاتاً متعلق به اوست. اهمیت این عنصر در این است که مجوز دخالت انسان در اموری خواهد بود که خودبه‌خود و در وضع طبیعی، اجازه دخالت در آنها ندارد. فقها و سیاست‌پژوهان اسلام محمدی و فیلسوفان آزاداندیش غرب در این امر وحدت نظر دارند که در وضع طبیعی منهای دین و قرار و قانون، افراد آزادند و هیچ‌کس نمی‌تواند در زندگی دیگری دخالت کند. فقهای امامیه بر این امر اتفاق دارند که هیچ‌کس بدون رخصت شرعی و دینی نمی‌تواند در زندگی دیگران دخالت کند و بعضی از ایشان با طرح قاعده کلی «لا ولایة لاحد علی احد» بر این امر تأکید کرده‌اند.^۱ فیلسوفان آزاداندیش غرب نیز بر این امر اتفاق دارند که انسان آزاد آفریده شده و در وضع طبیعی آزاد است.^۲ می‌توان گفت این دو سخن کاملاً به هم مربوط و همانند دو روی یک سکه و دو حقیقت به‌هم‌پیوسته مربوط به وضعیت طبیعی انسان و جامعه، قبل از شریعت و قانون و سیاست و حکومت و پیمان است که یکی به زبان فقهای ما جاری شده و دیگری به زبان بعضی از فیلسوفان آزاداندیش غرب؛ زیرا آزادی انسان که شعار این فیلسوفان است، مفهومی جز این ندارد^۳ که در وضع طبیعی و با قطع نظر از شریعت و ولایت و پیمان و امثال آنها، هیچ‌کس حق ندارد در زندگی دیگری با امر و نهی خود دخالت و اعمال قدرت کند و این معنای همان قاعده کلی «لا ولایة لاحد علی احد» خواهد بود که فقهای ما مطرح کرده‌اند.^۴

۱. ر. ک: نراقی، عوائد الایام، ص ۱۸۵، «عایدة فی ولایة الحاکم».

2. CF, Lock, *Two Treatises Of government*, book II. Chap. IV N 22, P 283. and ChaP II ,P 269; Rousseau, *The Social Contract*, book.I P. 3 Men is Born Free.

۳. جان لاک خود به این مفهوم تصریح می‌کند و می‌گوید: آزادی طبیعی انسان به این است که باید از هر قدرت برتر روی زمین آزاد باشد.

The natural Library Of man is To Be Free from any superior power on earth (ibid, chap II, P.269).

۴. قراردادگرایان معتقدند در وضعیت طبیعی، یعنی قبل از قرارداد اجتماعی (برخلاف گفته ارسطو و پیروانش)، حکومتی در جامعه وجود ندارد و همه آزادند؛ به این معنا که دخالت و اعمال ولایت دیگران در زندگی آنها توجیه درستی ندارد؛ چنان‌که لاک می‌گوید: «آزادی طبیعی انسان به این معناست که باید از هر قدرت برتر زمینی آزاد باشد». فقهای ما هم معتقدند هیچ حکومتی جز از طریق دین و وحی و رخصت شرعی و اذن الهی صحت و مشروعیت نیابد و بنابراین طبیعت نمی‌تواند توجیه درستی برای دخالت در زندگی دیگران و تشکیل حکومت باشد. در این زمینه، ملا احمد نراقی می‌گوید: «لا شک ان الاصل عدم ثبوت ولایة احد علی احد الا

اشارات قرآنی به عناصر ولایت

آیات قرآن مجید با دلالت‌ها و اشارات خود درباره عناصر ولایت و ویژگی‌های آنها به ما آگاهی می‌دهند. ما در اینجا در دو بند، تعدادی از آیات را نقل می‌کنیم که به دو عنصر اصیل ولایت مربوط می‌شوند.

دلیل بر وجود عنصر روان‌شناختی یا لایه طبیعی که جوهر و مقوم ولایت است، آیات متعدد قرآن مجید است که دامنه‌ای وسیع‌تر و قلمروی گسترده‌تر از جامعه اسلامی و حکومت دینی مورد نظر اهل بیت را برای ولایت ترسیم کرده و اصطلاح ولایت را (علاوه بر اقتدار شرعی برآمده از اذن و رخصت الهی) بر ارتباط گنهکاران با شیاطین، کفار یا غیر اهل حق با طواغیت نیز اطلاق کرده و می‌فرماید: «کسانی که کفر ورزیده‌اند، اولیای یکدیگرند»^۱ یا «ستمکاران اولیای یکدیگرند»^۲ یا «ما شیاطین را اولیای کسانی قرار داده‌ایم که ایمان ندارند»^۳ یا «هر آن کس که به جای خدا شیطان را ولی خود برگزیند، آشکارا زیان می‌کند»^۴ یا «کسانی که کفر ورزیده‌اند، اولیایشان طاغوت است»^۵. مسلماً منظور از ولایت در این‌گونه آیات چیزی جز لایه طبیعی و عنصر روان‌شناختی آن نیست که منشأ تبعیت، نصرت و قرابت آنهاست و آنها را بیش از پیش به هم نزدیک می‌کند و روش و منش و رفتارشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ حقیقتی که گرچه در بعضی شرایط ممکن است زمینه اعتبار قدرت و حکومتی را نیز فراهم کند، حداکثر، حاصل آن قدرتی طاغوتی و حکومتی خواهد بود که فاقد رخصت الهی و موازین شرعی مورد تأکید در دین حق و مکتب اهل بیت است؛ بنابراین عنصر روان‌شناختی ولایت، حقیقتی است

مَنْ وَلَّاهُ اللَّهُ سِبْحَانَهُ وَ رَسُولَهُ أَوْ أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَائِهِ عَلَيَّ أَحَدٍ فِي أَمْرٍ» (نراقی، عوائد الایام، ص ۱۸۵). از فلاسفه غرب، جان لاک، معتقد است: قرارداد اجتماعی سبب می‌شود افراد به جامعه داخل شوند و دولتی تشکیل دهند که هم قانونگذار، هم مجری و هم داور باشد؛ یعنی قبل از قرارداد اجتماعی و در وضع طبیعی، حکومتی وجود ندارد (CF, Lock Two Treatises Of government, Book II, chap. VI. P. 300).
 ژان ژاک روسو هم می‌گوید: «نظام اجتماعی یک حق مقدس است که پایه حقوق دیگر محسوب می‌شود؛ مع‌هذا این حق از طبیعت سرچشمه نمی‌گیرد. پس بر روی قراردادها استوار است» (روسو، قرارداد اجتماعی یا اصول حقوق سیاسی، ص ۵).
 ۱. «وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (انفال، ۷۳).

۲. «وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (جاثیه، ۱۹).

۳. «إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف، ۲۷).

۴. «وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (نساء، ۱۱۹).

۵. «وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُ هُمُ الطَّاغُوتُ» (بقره، ۲۵۷).